

OCTOBER

۸۷

اکتبر

سردبیر: عبدالله شریفی

۶ اردیبهشت ۱۳۸۵ ۲۶ آپریل ۲۰۰۶

دبیر کمیته کردستان: حسین مراد بیگی (جمه سور)

به مناسبت اول مه

دولتهایشان از نو خواهند شنید. بشریت مثل همیشه امید به سوسیالیسم، به رهایی و رسیدن به برابریهای اقتصادی و اجتماعی را در به میدان آمدن طبقه کارگر جستجو میکند. طبقه کارگر به دلیل موقعیتش در تولید و در بطن استثمار سرمایه داری، با آزاد کردن خود از یوغ بردگی مزدی خود و کل بشریت را رها خواهد ساخت. این رسالت تنها و به این دلیل از طبقه کارگر ساخته است.



حسین مرادبیگی
(جمه سور)

از وقتیکه سرمایه زندگی و رفاه و معیشت روزانه مردم را زیر چنگال خود به گروگان گرفته است، بشریت همواره برای رهایی خود به طبقه کارگر و به میدان آمدن این طبقه نیاز داشته است. بشریت اما هیچگاه به اندازه امروز

صفحه ۴

برای پایان دادن به بردگی مزدی به پا خیزید!
با نزدیک شدن اول مه، نگاهی بار دیگر در سراسر جهان به طبقه کارگر دوخته میشود. جامعه یک بار دیگر متوجه حضور قدرتمند طبقه کارگر میشود. کبیر خواست جهانی طبقه کارگر علیه بردگی مزدی را سرمایه داران و

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به مناسبت اول مه

باید به آگاه شدن طبقه کارگر و رشته های کلیدی طبقه ما به این رسالت تاریخی تبدیل کرد. جمهوری اسلامی تجسم تمام عیار کثافت سرمایه داری علیه بشریت است. ابعاد این پدیده را زخمهای عمیق

چندین نسل از کارگر و مردم زحمتکش ایران گواهی میدهند. چندین نسل است که بخش عظیم شهروندان آن جامعه، آنهایی که از قبل کار و تلاش و شرافت خویش امورات خود و خانواده شان را میگردانند، دارند توان این نظام وارونه را، نه فقط یک بار بلکه چند بار پس میدهند. این مردم باید یکبار در مسابقه ای بی امان ←

روبرو کرده است. در این میان اما طبقه کارگر میتواند ورق را برگرداند. پا به میدان گذاشتن سریع و وسیع طبقه کارگر برای پایان دادن به عمر جمهوری اسلامی، کل معادله کاپیتالیسم جهانی و محلی را برای به خاک سپاه نشاندن کارگر و مردم در جامعه ایران و منطقه خاورمیانه بر هم میزند. این رسالت مهم از عهده طبقه کارگر ایران برمیآید همچنانکه در جنگ جهانی اول، طبقه کارگر روسیه، در مقابل بمباران ایدئولوژیک احزاب چپ و راست ناسیونالیستی برای "دفاع از میهن" پرچم مستقل طبقاتی خود را به رهبری کمونیستها و لنین در برابر جامعه گرفت. مناسبت اول مه امسال را

طبقه کارگر ناگزیر از مصافی تعیین کننده!

در آستانه اول مه امسال طبقه کارگر ایران با مصافهائی تعیین کننده ای روبرو است. علاوه بر سنگر بندی در مقابل تعرض و توحش جمهوری اسلامی علیه خود و شهروندان جامعه، کلبوس جنگ و قلدری سرکرده سرمایه جهانی، دولت آمریکای مدعی مقام ژاندارم بین المللی، زندگی و آینده جامعه ایران را در ابهام فرو برده است.

امنیت، معیشت، مدنیت و مضافاً اراده طبقه کارگر و کل جامعه هفتاد میلیونی را برای فلیق آمدن بر رژیم سیاه و هار اسلامی با تهدید

نباید اجازه داد سناریوی عراق در ایران تکرار شود!

امریکا، رهبران اپوزیسیون راست عراق از ناسیونالیسم کرد و عرب و دارونده های اسلامی و همه انهایی که نصف عمرشان را خدمتگذار رژیم صدام حسین بودند، همگی استراتژی شان را به جنگ امریکا گره زدند. همه جلو درب وزارت امور خارجه امریکا صف بستند تا سهمی از قدرت در عراق آتی را برای خود تضمین کنند. در نهایت دولت امریکا قدرت در جامعه عراق را به سران حلقه به گوش خود و هر کدام با شناسنامه قومی و مذهبی سپرد. اگر تا دیروز مردم عراق اسیر یک رژیم ضد مردمی به نام بعث و صدام حسین بودند، اکنون

صفحه ۳



خالد حاج محمدی

را توپ باران کرده است و همزمان نیروهای ترکیه نیز مناطق استقرار پ کا را به توپ و خمپاره بسته اند. ظاهراً چنین پیدا است که ایران و ترکیه در عملیاتی هماهنگ و توافق شده به پ کا حمله کرده اند. داستان توافق دولتهای ایران و ترکیه علیه مخالفان خود تازگی ندارد. از این توافقات و کنترول مرز کردنها و حمله کردنها در ۳ دهه گذشته بارها پیش آمده است. زمانی پ کا کا دوست دولت ایران و از ایران دفاع میکرد و امروز به هر دلیل به جای توافقات گذشته موضع مخالفت با هم دارند و پ کا

صفحه ۳

اخیراً جمهوری اسلامی نیروی نظامی وسیعی را به مناطق مرزی شمال کردستان گسیل کرده است. ستونهای نظامی با تجهیزات جنگی کامل به اشنویه، پیرانشهر و سررشت رفته و در مناطق مرزی مستقر شده است. طبق اطلاع در منطقه مرزی اشنویه عراق جمهوری اسلامی محل استقرار بژاک در جوار پ کا



طاهر حسن

گذاشت این سناریو تکرار شود. شما شاهدید که سه سال قبل دولت امریکا به بهانه اینکه رژیم بعث سلاح کشتار جمعی در اختیار دارد، پس از ۱۳ سال تحمیل گرسنگی به مردم عراق، جنگی را آغاز کرد. جنگی که هیچ آثاری از جامعه مدنی و مدرن را باقی نگذاشته است. از همان آغاز بمباران تبلیغاتی مدیای نوکر



ناسک احمد

مردم آزادیخواه و مدرن ایران! به دنبال تحمیل یک جنگ ویرانگر و ضد انسانی به مردم عراق و نبود کردن همه عرصه های کار و زندگی بیش از بیست میلیون انسان در عراق، جناح راست حکومت امریکا به بهانه تولید سلاح هسته ای از جانتب جمهوری اسلامی سودای تحمیل جنگ دیگری را در سر میپوراند. نباید

ضمیمه اکتبر ۸۷ ویژه پلنوم چهارم
حزب حکمتیست، منتشر شد!

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید!
به گارد آزادی بپیوندید!



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کارگر ایران باید نشان دهد که نمیخواهد نیروی ذخیره احزاب و دستجات ناسیونالیست و لشکر ذخیره نیروهای ارتجاعی باشد. از این رهگن قدرت عظیم نیروی طبقه کارگر در عرصه بین المللی که گوشه ای از آنرا در حوادث فرانسه شاهد بودیم، این پتانسیل و ظرفیت را دارد که با نیدن پرچم به اهتزاز در آمده طبقه کارگر و کمونیسم در ایران صف قدرتمند جهانی را علیه قدرتی نظم نوینی آمریکا و سرمایه سازمان دهد. صف خود را از زیر بار بمبارانهای تبلیغاتی بورژوازی بین المللی و تعرض سرمایه داری به سطح معیشت و دستاوردهای جهانی طبقه کارگر رها سازد و یک بار دیگر شبح قدرت کارگر و کمونیسم مارکس را بر فراز جهان به پرواز در آورد.

حزب حکمتیت و بخشهای کلیدی طبقه کارگر ایران و رهبران کارگری در آستانه اول مه امسال در کنار همه مطالبات و خواستههای برحق و فوری، و از جمله آزادی شکل و آزادی اساتلو، میتوانند در راس حرکتی بزرگ برای سرنوینی فوری جمهوری اسلامی نجات جامعه و انسانیت را در ایران تضمین کنند. میتوانند محور اصلی صف بندی جهانی کارگر و انسانیت علیه سرگردنه بگیری نظم نوین کاپیتالیستی باشند. در اول مه به این حقیقت و این رسالت بزرگ باید چشم باز کرد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیت

2 اردیبهشت 1385 - (22 آوریل 2006)

باشد. طبقه کارگر در ایران از این شانس و امکان برخوردار است که بتواند خود و سرنوشت کل جامعه را از این سناریو نجات بخشد. هیچ اعتراضی موجه تر از اعتراض کارگر علیه باجگیری و اجحافات و ارباب جنگی رژیم اسلامی و ایستادگی در برابر تحمیل فضای جنگی نیست. هیچ صدایی بسیج کننده تر از اعتراضات کارگران نمیتواند در سطح جامعه مردم را به میدان آورد. هیچ نیرویی قدرتمند تر و موثر تر از



طبقه کارگر نمیتواند پرچمدار سرنوینی جمهوری اسلامی و پایان دادن به کابوس سناریوی سیاه و جنگ احتمالی و خانه خرابی جامعه هفتاد میلیونی ایران باشد. در این تندبج تاریخی، در تقابل با فضای جنگی و تحریکات ناسیونالیستی جریانات حاکم و اپوزیسیون، طبقه کارگر ایران میتواند مهر خود را بر اوضاع سیاسی ایران بکوبد. طبقه

خود نداشته است. دامنه بسیار گسترده از اعتصابات کارگری در سال گذشته و در این میان اعتصاب بزرگ کارگران شرکت واحد گویای پتانسیل بالا و همزمان ضعف صفوف کارگران پیشرو و آگاه و کمونیست در مراکز بزرگ کارگری است که سرنوشت طبقه خود و کل جامعه را بدست نمیگیرند.

شرایط سیاسی مخاطره آمیز و مهم جاری در فضای سیاسی ایران به اول مه امسال

اهمیت ویژه ای بخشیده است. جنگ و فضای جنگی میان آمریکا و جمهوری اسلامی هست و نیست نسل بزرگی از مردم را نشانه گرفته است. همه آثار مننیت و از جمله مدارس و خانه های مسکونی، بعلاوه مراکز تولیدی قرار است به مرکز قدرت نمایی و تخریب و نابودی بدل شوند و این میتواند تازه نقطه آغازی بر آینده ای تیره تر

دست و پای همدیگر را لگد کنند تا بکار گرفته شوند، تا از قیل کار مفت و ارزان آنها ثروت و سود افسانه ای یک مشت انگل تولید شود. مقدرات همین مردم بیکار دیگر زیر پای فضای جنگی و جنگ و جبهه و ارتش و تروریسم و کثافات حکومت مذهبی و فیضیه و انواع تبعیضات و زندان و زندانبان له میشود. و اگر جان سالم بدر ببرند تازه باید با خفت فقر و نداری، با افسردگی و سرخوردگی و اعتیاد و تباهی دست و پنجه نرم کنند.

جمهوری اسلامی، با تمام توحش و افسارگسیختگی باز نتوانسته جلوی یک حکمی بدیهی از انسان و انسانیت را بگیرد. و آن اینکه هیچ قدرتی نمیتواند جلودار تلاش انسانها برای زندگی بهتر باشد. سالهای سال آن مردم، هر روز و از جمله در روز اول مه چشم به نارضایتی، اعتراض، عصیان، خشم و اعتصاب و چاره جویی گشوده اند. در این میان اول مه جزو آن رگه ایست که نارضایتی و اعتراض را به نیروی واقعی، به طبقه کارگر گره زده است. در این روز کل جامعه و از جمله خود طبقه کارگر به هسته اصلی جامعه، به چرخ تولید و به کارگر چشم دوخته است. در این روز به پراکنگی صفوف این طبقه، به ضعفها و ناتوانی هایش لعنت فرستاده و از تحریکات و اجتماعات این روز توشه تازه تری برای آینده راه خودگرد آورده است.

طبقه کارگر در ایران هرگز با تباهی و فقر و بهره کشی و حشینه در این ابعاد روبرو نبوده است. و در عین حال طبقه کارگر هرگز میلیونها میلیون مردم عاصی و تشنه آزادی، میلیونها هم طبقه ای جان به لب رسیده و بدون توهم و آماده نبرد را به همراه و پشتیبان

زنان آزادیخواه و سوسیالیست، با پرچم حقوق جهانشمول انسان، به صف اول مه پیوندید!

آرمان رها کردن انسان از قید و بند جامعه سرمایه داری کوتاه نخواهیم آمد. در اول مه اعلام می کنیم که نماینده و سخنگوی بشریت برای مقابله با ارتجاع و توحش، درهم ریختن فضای ارباب جنگی و تلاش برای کسب حق کارگر و حق زنان هستیم.

زنده باد اول مه!

زنده باد آزادی و برابری!

سازمان رهایی زن

www.rahai-zan.org

۲۳ آوریل ۲۰۰۶

۳ اردیبهشت ۱۳۸۵

تالش و مانیفست بشریت مترقی علیه سرمایه و ستم و سرکوب است. برپایی تجمع های وسیع کارگری و به تصویب رساندن قطعنامه هایی که اصلی ترین خواستها و مطالبات کارگری را بیان کند نیز از اقدامات ضروری در اول مه امسال است. قطعنامه ای که در آن خواستها و مطالبات زنان کارگر و زحمتکش طرح و علیه سرمایه داری بعنوان منشا ستمکشی بی حقوقی زن اعلام جرم شده باشد. این قطعنامه باید محمل اعلام حقوق جهانشمول انسان بعنوان مانیفست بشریت مترقی برای آینده جامعه باشد.

در اول مه ما به همه جهان اعلام میکنیم که ما کارگران و زنان آزادیخواه و سوسیالیست حق خود و حق انسان و حق زن را میشناسیم و سر سوزنی از تحقق

در کارخانه در شهر و در دانشگاه تقویت کرد. تقویت و تحکیم روابط و شبکه های کارگران پیشرو و سوسیالیست که در آنها زنان نقش



و تاثیر و نفوذ داشته باشند در این فرصت برای آشنایی خالتگری و سازماندهی گسترده تر مبارزه نیز بسیار راهگشاست. شرکت زنان پیشرو و سوسیالیست و طرح خواستههای زنان بخش مهمی از

اعلام جنگ به زنان برای تحمیل و حثیانه حجاب با ایجاد فضای جنگی، میدان اعتراض و عرض اندام کارگران و زنان و مردم را کم و جنبش اعتراضی و فضای نا رضایتی را با ایجاد فضای جنگی بکاهد و مردم را به خانه های خود بفرستد. هدف اصلی مادر اول مه باید برپایی تجمعات هر چه بیشتر و وسیعتر در شهرها و شکستن فضای اربابی است که جمهوری اسلامی تلاش کرده است ایجاد کند. برای این امر باید تلاش کرد وسیعترین تجمعات کارگری و مردمی به مناسبت اول مه ایجاد شود و زنان آزادیخواه و خانواده های کارگری وسیعتر آن شرکت کنند. تظاهرات، اجتماعات، مراسمهای مختلف، سخنرانیها و ابراز وجود کارگران مبارز و زنان کارگر و سوسیالیست را باید

زنان مبارز و آزادیخواه! امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه روز جهانی کارگر می رویم که جامعه در وضعیت خاصی قرار گرفته است. ایران جامعه ای ۷۰ میلیونی آماج تهدیدات جنگی و استفاده رژیم از آن برای ارباب، آماج مخوف ترین سیستم سرکوب و بی حقوقی، آماج ارتجاعی ترین سیاستهای تبعیض و تحقیر و بی حقوقی محض زنان قرار گرفته است.

جمهوری اسلامی می کوشد با ایجاد فضای ارباب جنگی و میلیتاریسم روانی که در اثر تهدیدات نظامی و قدرتی آمریکا زمینه اش آماده شده است فضای نارضایتی و اعتراض عمومی و کارگران و مردم را سرکوب کند. جمهوری اسلامی تلاش دارد با

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

تکرار سناریوی عراق از ص ۱

دموکراسی آمریکایی مردم عراق را اسیر انواع صدام حسین های دینی و قومی و طایفه ای و عشیرتی کرده است.

این جنگ خاتمانسوز در عراق علیرغم هرخواست آمریکا، تا کنون به نفع جمهوری اسلامی هم تمام شده است. میبینیم که بخش زیادی از جامعه عراق تحت تسلط جانوران مسلح اسلامی قرار دارد که دهها سال است از جانب جمهوری اسلامی مورد حمایت مادی و سیاسی قرار گرفته اند.

امروز حکومت آمریکا با همان اهداف پیشین (پلیس جهان در نظم نوین) و به بهانه سلاح هسته ای همان سناریو را برای مردم ایران پیش رو دارد. اما این بار رژیم آمریکا که دستش در عراق رو شده و سیاست قلدریش تحت عنوان دموکراتیزه کردن عراق رسوا گشته است، به آسانی نمیتواند افکار عمومی را با مادیای نوکروش بفریبد و با دشواریهای جدی روبرو است. اگر چه تا کنون آمریکا جرات اعلام جنگ را با صراحت به خود

نداده است، اما به این معنا نیست که تهدید جنگ (الزاما نه به شکلی که در عراق اتفاق افتاد) جدی نیست. مردم از اندیخواه و برابری طلب ایران!

همزمان با درک نشانه های یک جنگ احتمالی، اما دو حقیقت را باید درک کرد و با چشمان باز آن را دید که میتواند جامعه ایران را از یک سناریوی سیاه نجات دهد.

۱- تهدید محصره اقتصادی و ایجاد فضای جنگی تماما به نفع جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی ملوث سیاسی و دیپلماسی کم سابقه ای را در خراج از ایران بره انداخته است. در داخل ایران هم بهانه ای پیدا کرده است که هر مطالبه سیاسی و اقتصادی مردم ناراضی را با سرکوب پاسخ بدهد و یا به آینده ای نامعلوم موعول نماید. در یک کلام، میخواهد ناراضیانی و خواسته های مردم را به بهانه اوضاع غیر عادی و فضای جنگی سرکوب کند.

۲- این سیاست آمریکا در مقابل ایران همانطوریکه در عراق هم اتفاق افتاد همه اپوزیسیون راست جامعه ایران را از سلطنت طلب و مجاهد و ناسیونالیسم پرو غرب تا

حزب دموکرات و انواع دار و دسته قومی و فاشیستی دیگر، نور نقشه و سیاست آمریکا جمع کرده است. سیاستهای، حکمیهای، جغفریها، علایبها و چلبیها، بارزانی و طالبانیهای ایران دارند خود را آماده میکنند. اگر جلو اینها گرفته نشود همانطوریکه به پشتیبانی آمریکا جامعه عراق را غرق ناامنی و جنگ قومی و دینی و طایفه ای و عشیره ای کرده اند، بهمان ترتیب در فدای سرنگونی جمهوری اسلامی آماده اند. فراس و کرد و عرب و آذری و بلوچ و مسیحی و مسلمان را به جان هم بیاندازند. این نیروهای سیاه چنین برنامه ای در دستور کار خود دارند. فردا تحت عنوان شناسنامه ساختگی قومی و دینی و نژادی و طایفه ای تهران را به کرکوک و موصل و بغداد تبدیل کنند و معلمان و دانش آموزان و همسایه هارا به یک جنگ پکسازی قومی و دینی بکشانند.

اینها همان نیروهای سیاهند. اینها هیچ وقت شریک مبارزه شما علیه جمهوری اسلامی نبوده اند بلکه زمانیکه رهبران شما در زندانهای جمهوری اسلامی قرار داشتند اینها

با جمهوری اسلامی در حال بند و بست بودند. و تئوری اسلام میانه رو و تند رو و اسلام خوب و بد مییافتند تا با جناحی از آن بسازند. مبارزه علیه سیاست جنگی آمریکا و اجازه ندادن به عراقیزه کردن ایران از مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی جدا نیست. بلکه جزو مهم و سرنوشت ساز این مبارزه در مقطع تاریخی کنونی است.

مسئله بمب هسته ای تنها یک بهانه پوچ است، همانطوریکه مسئله سلاح کشتار جمعی رژیم بعث پوچ بود، همانطوریکه مسئله مجازات عاملان حمله ۱۱ سپتامبر در جنگ افغانستان پوچ بود. ما باید با چشمان باز رویدادها و مواضع و سیاستهای جریانات اپوزیسیون ایران و نقشه های آمریکا را ببینیم. باید همه ما جلو این سیل کثیف را بگیریم. این مسولیت بر عهده همه ماست. شما باید از همین حالا برای کنترل محلات و شهر و شهرکهای خونتان مسلح و متشکل شوید. واحدهای گرد آزادی را در محل زندگیتان تشکیل دهید. دور سیاست و رهنمودهای حکمتیستها جمع و متشکل شوید. این نه تنها میتواند

جمهوری اسلامی برای ایجاد محدودیت بیشتر و اختناق سیاسی به بهانه جنگ است. این برکتی که فضای جنگی قرار است برای



رژیم ایران به بار آورد. دولت احمدی نژاد میخواهد زیر سایه جنگ مردم سرنگونی طلب را به خانه های خود بفرستد و خود دولت جمهوری اسلامی را چند صباحی از شر سرنگونی نجات دهد.

ایجاد فضای نظامی به هر بهانه ای محکوم است از ص ۱

مجبور شده است خاک ایران را ترک کند. اما بهانه هر چه باشد ایران در تلاش است منطقه را نظامی کند و با ایجاد فضای ناامن امنیت مردم را به خطر اندازد. از اشنویه و تحرک علیه پژاک اگر بگذریم مسئله کسپیل نیروی جمهوری اسلامی به مرزهای شمال کردستان دیگر داستانی دیگر دارد. اکنون که مسئله هسته ای و دستیابی ایران به انرژی هسته ای برای آمریکا بهانه ای شده تا قلدری و ژاندارمی خود را به کرسی بنشانند، جمهوری اسلامی نیز در تلاش است از این فضا نهایت استفاده را به نفع خود بکند.

مسئله خطر جنگ تا همینجا باعث شده فضای جنگی ایجاد شود و جمهوری اسلامی میخواهد از این فضا به نفع خود و علیه مردم استفاده کند. در کردستان فعالان در مناطق مرزی نیروهای وسیعی را مستقر کرده است و فضای نظامی و نا امن را به مردم تحمیل کرده است. قرار است فضای جنگی به

خطر سناریوی سیاه عراق را از سر جامعه ایران دور کند بلکه راه را برای بست گرفتن جامعه از جانب صاحبان اصلی خود، باز میکند.

یک کار جمعی اینچنینی میتواند سیمای سیاسی منطقه را تماما تغییر دهد و درجه روشنتری را بروی مردم منطقه باز کند. باید شر این رژیم هار و جنایتکار را از سر مردم ایران و عراق و منطقه و انسانیت کم کرد.

ما در حزب کمونیست کارگری عراق کماکان در این راه با شما خواهیم بود.

مرگ بر سیاست جنگی دولت آمریکا!

زنده باد جنبش سرنگونی طلبی
مردم ایران!

ناسک احمد

ظاهر حسن

۲۵ آوریل ۲۰۰۶

Nasikahmad2@yahoo.com
Tahirhassan1@yahoo.com

فضای اسلامی و توحش و بربریت را بر ما حاکم کنند. معلوم است جنگ آمریکا علیه ایران جز سیه روزی و فقر و بیخانمانی برای ما مردم چیزی به ارمان نخواهد آورد. هنوز جنگی صورت نگرفته است که سران جمهوری اسلامی امید به فضای جنگی بسته و فرصت را غنیمت میدانند تا از این فضا نهایت استفاده را علیه ما مردم بکنند.

ما نباید بگذاریم دولت جمهوری اسلامی چنین گستاخانه از این فضا علیه ما استفاده کند. در مقابل هر اقدامی و هر قومی که جمهوری اسلامی علیه ما مردم و برای محدود کردن فضا و ایجاد اختناق بر میدارد باید قاطعانه ایستاد. آمریکا هر کاری کند و هر برنامه ای بگذارد ما کار مان با جمهوری اسلامی جز سرنگونی چیزی نیست. او ضاع هر چه باشد و جنگ حتی اگر صورت بگیرد که امیوارم چنین نشود، اولین قدم ما مردم برای ایجاد زندگی انسانی باز سرنگونی جمهوری اسلامی است. سرنگونی جمهوری اسلامی اولین اقدام و اولین قدم ما مردم برای ایجاد دنیای انسانی است.

جنگ آمریکا علیه ایران و مشقتی که قرار است برای مردم به ارمان بیورد فعلا بماند. اینکه اصلا دلایل آمریکا در ماجرای هسته ای ایران و تهدیدهایش از کجا ناشی میشود و آیا اصلا جنگی خواهد شد یا نه و مخاطراتی که این جنگ برای مردم ایران و خاورمیانه در صورت وقوع خواهد داشت فعلا مورد بحث من نیست. این را میشود جایی دیگر صحبت کرد و تا اکنون رفقای زیادی در این خصوص اظهار نظر کرده اند. اما اگر دستیابی ایران به انرژی هسته ای بهانه ای است در دست آمریکا تا لزوم ژاندارم بودن خود را به رقیبان خود در دنیا تحمیل کند، فضای جنگی ایجاد شده در ایران نیز برای جمهوری اسلامی بهانه ای برای فشار و محدودیت بیشتر بر مردم ایران میباشد. قلدری و گرانه گیری آمریکا فضا و میدانی ایجاد کرده است که دولت جمهوری اسلامی در سایه این فضا میخواهد هر صدای اعتراض و آزادیخواهانه را در گلو خفه کند. علیه این توحش باید ایستاد. نباید گذاشت مثنی جانی و جایتکار این بار با استفاده از خطر جنگ

اکتبر هر هفته روزهای چهارشنبه منتشر میشود، اکتبر را تکثیر کنید و بدست دوستان و آشنایان خود برسانید!

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست پیوندید!

تحركات نظامی جمهوری اسلامی در کردستان محکوم است!

اطلاعیه

طبق اخبار رسیده بدست ما، جمهوری اسلامی روز جمعه ۱۰ دیماه ۱۳۸۵ ستون بزرگی از نیروهای نظامی خود را با توپخانه سنگین وارد شهر اشنویه کرده، سپس آن را به طرف مرز عراق حرکت داده و مراکز پ.ک.ک و پ.ژاک را مورد حمله قرار داده است. در جریان این حمله دو چوپان نیز هدف آتش توپخانه نیروهای جمهوری اسلامی قرار گرفته و به گوسفندان مردم روستاهای اطراف نیز خسارت زیادی وارد آمده است.

حکومت اسلامی همچنین نیروی نظامی زیادی را در شهر پیرانشهر و اطراف اشنویه و سردشت مستقر کرده است. گسیل نیرو و امکانات لجستیکی ارتش جمهوری اسلامی به این مناطق همچنان ادامه دارد. نیروهای جمهوری اسلامی به منظور نشان دادن ضربت به مردم، روز بعد از

آتش باران منطقه در شهر اشنویه به خانه های مردم این شهر یورش برده و بزور ماهواره های زیادی را در مناطقی از این شهر جمع آوری کرده اند. هدف از تحركات نظامی اخیر جمهوری اسلامی روشن است. جمهوری اسلامی به بهانه بحران فعلی و حمله نظامی آمریکا به ایران دارد کردستان ایران را وسیعاً میلیتاریزه میکند. تحركات نظامی اخیر و استقرار نیروی نظامی وسیع در شهرها و مناطقی از کردستان ایران، مقمه و شروع این کار است. جمهوری اسلامی میخواد فضا را در شهرهای کردستان ایران کاملاً نظامی کند. تحت این عنوان خفقان موجود را گسترش دهد. فشار موجود روی مردم را تشدید کند. با گذاشتن پستهای متعدد نظامی و همراه آن تیراندازی های عمدی به طرف مردم، شیوه معمول و تجربه شده جمهوری اسلامی در کردستان

ایران، امنیت را از مردم شهرها و روستاها بشدت سلب کرده و زندگی مردم را کاملاً به خطر اندازد. این اجازه را نباید به جمهوری اسلامی داد. این کار توطئه ایست آشکار علیه مردم شهرها و روستاهای کردستان ایران. باید آن را محکوم کرد. این کار بازی با جان و امنیت مردم و کودکان این جامعه است. راه انداختن کشت و کشتاری جنید و نا امن کردن محیط زیست و کار مردم در شهرهای کردستان ایران است، به بهانه جنگ و حمله نظامی دولت آمریکا به ایران. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ضمن محکوم کردن تحركات نظامی اخیر جمهوری اسلامی و یورش به خانه های مردم در شهر اشنویه، خواهان پایان دادن فوری به حضور نظامی نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در شهر ها و اطراف شهرها و محل کار و زیست مردم است. مردم شهرهای

کردستان نباید اجازه دهند که جمهوری اسلامی، تحت هیچ بهانه ای، فضای شهرهای کردستان را نظامی کند و به حریم خصوصی مردم دست دراز کند. به این توطئه آشکار جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان اعتراض کنید. جمهوری اسلامی را برای خاتمه دادن فوری به فضای نظامی و میلیتاریزه کردن شهرها و محیط زیست و کار مردم تحت فشار قرار دهید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۴ دیماه ۱۳۸۵ برابر با ۲۴ آوریل ۲۰۰۶

به مناسبت اول مه از صا

برای رهایی خود به طبقه کارگر نیاز نداشته است. کره زمین هیچگاه به اندازه امروز برای اکثریت ساکنین آن در عین فراوانی و پیشرفت تکنولوژی نا امن نبوده است. جهان هیچگاه به اندازه امروز تنواسته است محل شادی و خنده و لذت بردن از زندگی باشد، در عین حال هیچگاه به اندازه امروز خوشی و شادی و لذت بردن از زندگی را در زندان به چهار میخ نکشیده اند. دنیای امروز دنیای بوش و بلرها، دنیای خامنه ای و بن لادن ها، دنیای جنگ قومی و پاکسازیهای قومی، دنیای "نظم نوین جهانی"، دنیای قحطی و مرگ و میر از گرسنگی و از جنگ و فقر و فلاکت و عدم بهداشت کافی و سرپناه مناسب و حتی برخوردار از یک وعده غذای مناسب برای میلیونها انسان است. بشریت هیچگاه به اندازه امروز آزادی و زندگی اش توسط سرمایه داران و دولتپایان به گروگان گرفته نشده است. صدها میلیون انسان مسکن ندارند. بهداشت ندارند. غذای مناسب ندارند، حتی به توالت مناسب دسترسی ندارند. خوشی و شادی

را از اکثریت مردم جهان گرفته اند، زندگی را که زیباست برای این مردم به عذابی واقعی تبدیل کرده اند. حدود دو میلیارد انسان از کمبود غذایی رنج می برند. سالیانه ۱۲ میلیون کودک، از بی غذایی میمیرند، به همین "سادگی!" در هر دقیقه یک کودک زیر ۱۵ سال از بیماری ایز میمیرد. در عوض نولتهای سرمایه داری دهها میلیارد دلار خرج گسترش زراخانه ها و سلاحهای کشتار جمعی خود میکنند. در ایران مردم آزادی، غذا و مسکن مناسب میخواهند، حکومت اسلامی سرمایه سلاح هسته ای را، در عصر پیشرفت تکنولوژی، وسایل تولید این نیازهای بشری عاطل و باطل افتاده اند. میلیونها انسانی را که حاضرند این وسایل تولید را راه بیندازند و نیازهای فوری بشر را تولید کنند، بعنوان ارتش بیکاران از دست رسی به این وسایل دور نگهداشته اند. کارخانجات را تعطیل و کارگران را فوج فوج بیکار میکنند. حقوق معوقه کارگر را نمی دهند. پلیس و تفنگچیهای خود را دم در گذاشته اند تا اگر کارگران خواستند به مراکز کار خود برگردند و با راه انداختن آن زندگی خود و بچه های خود و

نوکر و جیره خوار نیز که پشتشان به این نظام است هر روز با دروغ و دروغ پردازی مردم جهان را بمباران میکنند. این نظام نمیتواند خود را سرپا نگهدار مگر خوشبختی و رفاه انسان را انکار کند. نمیتواند خود را سرپا نگهدارد مگر از حق زندگی و اوقات فراغت و شادی و تفریح بخش عظیمی از مردم جهان را بزند. نظام اقتصادی کوری که خارج از اراده بشر، خارج از تعقل و تفکر و خواست بشر سرنوشت انسانهای این کره خاکی را در چنگال خود گرفته است و آن را مطابق نیازهای سود و بازار سرمایه رقم میزند.

اول مه روز اعلام جرم طبقه کارگر علیه این نظام است، روز اعتراض و اعلام عزم و اراده طبقه کارگر برای خاتمه دادن به این نظام است. در این روز باید وسیعاً شرکت کرد و اعتراض خود را علیه نظام بردگی مزدی اعلام کرد. طبقه کارگر باید و میتواند به میدان بیاید و به این بردگی مزدی خاتمه دهد. در ایران شرکت در مراسمهای روز اول مه امسال ضرورتی ده چندان یافته است. طبقه کارگر و دیگر مردم انقلابی و آزادیخواه از طرفی با

حکومت اسلامی سرمایه، یکی از هارترین حکومت های سرمایه داری در جهان طرفند و از طرفی دیگر خطر یگ جنگ ویرانگر بر بالای سر مردم و جامعه ایران سایه افکنده است. گروهها و احزاب قومی برای راه انداختن پاکسازی قومی به بهانه مبارزه با جمهوری اسلامی برای تحریک عرق قومی و آلوده کردن فضا با بیروس قومی در کمین طبقه کارگر و مردم به جان آمده از جمهوری اسلامی نشسته اند. شرکت هر چه وسیعتر کارگران و زنان و مردان معترض و آزادیخواه در مراسمهای روز کارگر امسال جوابی است به این وضعیت و شکستن فضای جنگی ای که جمهوری اسلامی آن را علیه مردم ایران دامن زده است. جوابی است به تبلیغات هستبرک فاشیستهای قومی و اوباش اسلامی که علیه مردم و جامعه راه انداخته اند. همه کارگران و زنان و جوانان انقلابی و آزادیخواه را به شرکت هر چه وسیعتر در مراسمهای اول

حماه سور
25 آوریل 2006

عضیت ارتجاعی شمار فدرالیسم و عواقب سیاسی و اجتماعی فوق العاده زیانبار آن برای مردم و جامعه بسیار عیان است. فدرالیسم به معنای تقسیم قومی رسی مردم کشور و تراشیدن هویت های ملی و قومی کاذب برای مردم و صدور شناسنامه های قومی برای میلیون ها انسانی است که در ایران زندگی و کار می کنند. فدرالیسم به معنای عقب کشیدن خودآگاهی سیاسی مردم و فرهنگ سیاسی جامعه و پرچمست کردن قومی گری و نژادپرستی در ذهنیت مردم و نهادها و قوانین اجتماعی است. فدرالیسم به معنای رسمیت دادن و تعمیم بخشیدن به تبعیضات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی میان مردم برحسب پرچم های ملی و قومی، پاکسازی های قومی در مناطق مختلف کشور، رهبر تراشیدن از میان مرتجع ترین احزاب و افراد برای مردم مناطق مختلف و به عقب راندن جنبش ها و نیروهایی است که برای یک کشور سکولار غیرمذهبی و غیرقومی و برابری همه اهالی کشور مستقل از جنسیت و نژاد و مذهب و هویت تلاش می کنند. شمار فدرالیسم نسخه ای برای ایجاد عمیق ترین شکاف ها و تفرقه های قومی در صفوف طبقه کارگر کشور است. شمار فدرالیسم شعاری ضد کارگری و ضد سوسیالیستی است.

منصور حکمت

نه هویت قومی، نه هویت مذهبی، زنده باد هویت انسانی!